



پایان اعتراضات در غور؛ ساخت ۴۰ کیلومتر جاده در مسیر شاهراه غور - کابل شامل بودجه می شود

پس از اعزام هیأت باصلاحیت حکومت برای رسیدگی به خواست معترضان در غور، اکنون معترضان می گویند که پس از امضای تفاهم نامه ای با این هیأت، به اعتراضاتشان پایان داده و دروازه های ادارات دولتی را نیز باز کرده اند. به نقل از اطلاعات روز، حسن حکیمی، یکی از نمایندگان معترضان غور دیروز (شنبه، ۱۲ دلو) گفته است، که چهار نماینده ی مردم غور در پارلمان نیز ضمانت کرده اند که وعده های هیأت حکومت مرکزی عملی می شود. هیأت ده نفری حکومت به شمول نمایندگان مردم غور در پارلمان روز گذشته به هدف پادرمیانی و شنیدن خواست های معترضان در غور و ختم اعتراض شهروندان این ولایت به شهر فیروزکوه سفر کرده بود. عبدالحی خطیبی، سخن گوی والی غور گفته است، که این هیأت به معترضان در سه بخش وعده داده است.

به گفته ی خطیبی، شامل شدن ساخت ۴۰ کیلومتر جاده در مسیر شاهراه غور - کابل در بودجه ی سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی یکی از وعده های هیأت موظف به مردم غور است. سخن گوی والی غور در ادامه گفته است، که این هیأت وعده کرده است تا در جریان دو سال آینده انرژی برق از بامیان و بند سلمای هرات به غور امتداد یابد. در صورت عملی شدن این وعده، در گام نخست هشت هزار خانواده و در گام های بعدی ۳۲ هزار خانواده ی غوری از انرژی برق مستفید خواهند شد. هیأت باصلاحیت حکومت هم چنان وعده کرده است که پروژه ی برق خورشیدی با ظرفیت تولید پنج میگاوات برق در شش ماه نخست سال ۱۳۹۹ خورشیدی به بهره برداری می رسد و یک پروژه ی برق خورشیدی دیگر با ظرفیت تولید یک میگاوات برق نیز در بودجه شامل می شود. شهروندان غور از حدود دو هفته بدینسو در واکنش به شامل نشدن شاهراه ولایات مرکزی در سند بودجه ی سال مالی ۱۳۹۹ خورشیدی دست به اعتراض زده و دروازه های تمامی ادارات دولتی در غور را مسدود کرده بودند. به دنبال آن دو روز پیش رییس جمهور اشرف غنی هیأتی را تعیین کرد تا برای رسیدگی به خواست معترضان به غور سفر کند.

اهدای دو هزار متر مربع زمین به وزارت معارف در ولایت سرپل

وزارت معارف می گوید که یک مرد در ولایت سرپل، دو هزار متر مربع زمین ملکیت شخصی خود را به این وزارت اهدا کرده است. وزارت معارف دیروز (شنبه ۱۲ دلو) در خبرنامه ای گفته است: «الحاج فیض الله، یک تن از بزرگان ولسوالی گوسفندی ولایت سرپل غرض اعمار یک باب مکتب دخترانه، موازی ۲۰۰۰ متر مربع زمین از ملکیت شخصی خویش را برای ریاست معارف آن ولایت اهدا نموده است.» در این خبرنامه آمده است، در نشست قدرانی از حمایت فیض الله، احمد خان بیگرا، رئیس معارف ولایت سرپل از شهروندان این ولایت خواست تا در راستای اعتلای نظام معارف نوین کشور، سهم برآورنده داشته باشند. وزارت معارف افزوده است که به پاس خدمات سخاوتمندانه و معارف دوستانه فیض الله، لوح تقدیری از جانب ریاست معارف ولایت سرپل به این خیر اهدا شده است. این در حالی است که پیش از این یک مرد در بدخشان، ۳ اتاق درسی را از بودجه شخصی اش اعمار کرده بود.

سیگار: حملات نیروهای شورشی در افغانستان افزایش یافته است

بازرس ویژه آمریکا برای بازسازی افغانستان (سیگار) در تازه ترین گزارش خود نوشته که افغانستان در سه ماه پایانی سال ۲۰۱۹ میلادی، شاهد بیشترین حملات نیروهای شبه نظامی، نسبت به مدت مشابه در سال های پس از ۲۰۱۰ میلادی بوده است. در گزارش سه ماهه سیگار آمده که ماه سپتامبر سال ۲۰۱۹ میلادی که انتخابات ریاست جمهوری افغانستان برگزار شد، یکی از خشونت بارترین ماه ها در هفت سال اخیر بوده است. به گفته این نهاد، خشونت ها در افغانستان حتی پس از برگزاری انتخابات در ماه اکتبر ۲۰۱۹ نیز ادامه یافته است. سیگار افزوده که خشونت ها در حالی در افغانستان افزایش یافته که هیأت های آمریکا و طالبان در حال گفتگو در قطر هستند و امیدواری برای رسیدن به توافق درباره خروج نیروهای آمریکایی، و هم چنین به آغاز گفتگوهای بین الافغانی زیاد است. در این گزارش آمده که عملیات نیروهای ویژه افغان در این مدت کاهش یافته و به ۵۳۴ مورد رسیده است که ۳۱ درصد این عملیات بدون حضور نیروهای آمریکایی انجام شده است. به گفته سیگار در تمام عملیات نظامی نیروهای افغان بیشتر از ۴۳ درصد مستقل انجام شده در حالیکه در سال ۲۰۱۸ میلادی ۵۵ درصد عملیات مستقل انجام شده بود.

هم زمان سیگار از افزایش هفت درصدی شمار نیروهای امنیتی افغان در سه ماه پایانی سال گذشته خبر داده و گفته که در پایان ماه اکتبر گذشته، شمار نیروهای افغان به بیش از ۲۷۲ هزار نفر رسیده است. این شامل کسانی هستند که بیومتریک شده و مستحق دریافت حقوق هستند. به گفته سیگار این نشان از افزایش حدود ۱۹ هزار نفر در نیروهای افغان است. گزارش تازه می گوید که بین ماه های مه تا اکتبر سال گذشته تلفات نیروهای امنیتی افغان در مقایسه با مدت مشابه در سال ۲۰۱۸ کمی بیشتر بوده است. افغانستان از کشورهایی است که به کمک های مالی جامعه جهانی وابسته است. سیگار می گوید این کشور تا سال ۲۰۲۴ هرساله به ۴.۶ و شاید تا بیش از ۸ میلیارد دلار کمک جهانی نیاز خواهد داشت. این نهاد با استناد به گزارش بانک جهانی می گوید، حتی اگر دولت افغانستان بتواند درآمد داخلی خود را تا ۵ میلیارد دلار در سال افزایش دهد، بازهم حدود نیمی از بودجه کل این کشور باید از منابع خارجی تامین شود.

قمار شوم؛ باخت افغانستان، برد پاکستان



صفحه ۲

موانع فراروی صلح افغانستان چیست؟



صفحه ۳

«قهرمان داعیه ی پشتونستان»



صفحه ۴

پایان اعتراضات در غور؛ حکومت باید مسوولانه رفتار کند



صفحه ۵

کمیسیون شکایات انتخاباتی فیصله ی نهایی خود در مورد ۳۰۰ هزار رای جنجالی را تا دو روز دیگر اعلام می کند

کمیسیون وجود ندارد. نهادهای ناظر انتخاباتی و به خصوص نهاد تیفا که ادعای فشار سیاسی بالای کمیسیون را کرده، باید اسناد و مدارک نیز ارائه کند، در غیر آن بهتر است که اذعان عامه را مخشوش نسازند و بگذارند کمیسیون شکایات کارش را به بهترین شکل انجام دهد. بانو کارگر می گوید، که گاهی کمیسیون شکایات انتخاباتی زیر فشار روانی قرار می گیرد و این فشار روانی ناشی از اتهام و ادعای بی اساس نهادهای مرتبط به انتخابات شکل می گیرد.

این در حالی است، که احمد زبیر حبیبزاده، سخنگوی نهاد انتخابات آزاد افغانستان «تیفا» به رسانه ها گفته است، که کمیسیون شکایات انتخاباتی زیر فشار سیاسی قرار دارد. او اما در مورد، جزئیات ارایه نکرده است.

نتیجه ی نهایی انتخابات ریاست جمهوری را تغییر دهد، اما بانو کارگر می گوید، که هرگونه نتیجه در این مورد بستگی به فیصله ی کمیشران دارد. هم چنان بانو کارگر در مورد شکایات استینافی گفت، که بیش از ۶ هزار شکایت استینافی که در رابطه به تصمیم کمیسیون شکایات انتخاباتی از سوی دسته های انتخاباتی ثبت شده بود، تا کنون ۹۹۲ شکایت آن دسته بندی شده که ۹۱۲ شکایت تخلفات انتخاباتی و ۶۶ شکایت جرایم انتخاباتی شمرده شده است و تحت بررسی قرار دارد.

به گفته ی بانو کارگر، دسته بندی دیگر شکایات استینافی نیز جریان دارد و پس از آن تحت بررسی قرار خواهند گرفت. ازسویی هم، بانو کارگر وجود هرگونه فشار سیاسی بر این کمیسیون را رد کرده گفت: «هیچ گونه فشار سیاسی بر

هفته نامه ی صدای مردم افغانستان: مسوولان کمیسیون شکایات انتخاباتی کشور می گویند، که شکایت های استینافی تحت بررسی قرار دارد و تا دو روز دیگر این کمیسیون فیصله ی نهایی خود در مورد ۳۰۰ هزار رای جنجالی را اعلام می کند.

زرمینه کارگر، معاون سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی به هفته نامه ی صدای مردم افغانستان گفت: «بیشترین شکایات استینافی در مورد ۳۰۰ هزار رای جنجالی است و این شکایات که در سه بخش تثبیت شده در حال حاضر روی میز کمیشران کمیسیون شکایات انتخاباتی قرار دارد و تا دو روز آینده فیصله ی مشخص و نهایی صادر خواهد شد.»

احتمال دارد ابطال تمامی و یا بخشی از این آرای جنجالی



پایان اعتراضات در غور؛ حکومت باید مسوولانه رفتار کند

شمار زیادی از ساکنان ولایت غور پس از تصویب بودجه‌ی ملی از سوی پارلمان کشور، روز چهارشنبه (۲۲ دلو) در پیوند به آن چه ناعادلانه‌بودن بودجه ملی خوانده می‌شود، دست به اعتراض زدند. این معترضان با شعارهای «ارگ‌نشینان پاسخگو باشند، ما سرک می‌خواهیم، ما برق می‌خواهیم» دروازه‌های ارگان‌های دولتی را مسدود ساخته و از ورود کارمندان در این ادارات جلوگیری کردند.

این اعتراض‌ها به دلیل عدم توجه حکومت در تخصیص بودجه‌ی ملی به شکل عادلانه، آغاز شد و پس از دوازده روز با پا درمیانی هیأت حکومتی پایان یافت. معترضان مدعی بودند، که در بودجه‌ی سال جدید، هیچ پروژه‌ی انکشافی و زیربنایی در ولایت غور از سوی حکومت و پارلمان منظور نگردیده است. این در حالی است، که این ولایت هنوز یک سرک اسفالت‌شده برای رفت و آمد نداشته و از داشتن برق محروم است. ارگ ریاست‌جمهوری روز پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی گذشته، هیأتی را به منظور بررسی مطالبات معترضان به غور فرستاد و اعلام نمود، که رییس‌جمهور در فرصت مناسب از طریق ویدیو کنفرانس، مطالبات شهروندان غور را استماع نموده و تصمیم لازم را در زمینه خواهد گرفت.

غور یکی از ولایت‌های مهم و در عین حال محروم افغانستان بوده، که در آن پروژه‌های انکشافی و زیربنایی کم تطبیق و عملی شده است. رییس‌جمهور غنی پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ششم میزان، بارها در سطح مطبوعات و گفت‌وگوهای عمومی از شهروندان ولایت غور به خاطر حمایت آنان از تیم دولت‌ساز تقدیر نموده و این ولایت را مهد مدنیت در سطح افغانستان معرفی نموده بود. با این وجود، تا هنوز اما حکومت و شخص رییس‌جمهور نسبت به اعتراض‌ها و خواست ساکنان غور توجه خاص نکرده و فقط با اعزام هیأت دولتی، اعتراض‌ها را خاموش نموده است. غور تنها ولایت محروم و تحت ستم در کشور نیست، بسیاری از ولایات مرکزی انکشاف نیافته باقی مانده و سال‌ها درد محرومیت کشیده است.

این در حالی است، که برخی از ولایات کشور با نفوس کم، بودجه‌ی بیشتر از ولایاتی دارد، که هم نفوس بیشتر دارد و هم مستحق بازسازی است. بی توجهی مدیران ارشد حکومت در ترتیب و تصویب بودجه ملی، نشان‌گر عدم دقت آن‌ها در صفت‌بندی بودجی و تحقق عدالت شهروندی است. حکومت باید براساس معیارهای لازم، سند بودجه‌ی ملی را که از امکانات ملی و اقتصادی مردم افغانستان تهیه می‌شود، تنظیم و ترتیب نموده و آن را به مرحله‌ی اجرا بگذارد. عدم دقت در صنوف بودجه‌ی ملی نه تنها عامل گسترش فساد اداری در ساختار ادارات دولتی است، بلکه نشان‌دهنده‌ی ضعف مدیریتی در صفوف بلند مقامات دولتی نیز می‌باشد. رییس‌جمهور غنی همیشه از فساد اداری به عنوان عامل اصلی عقب‌ماندگی افغانستان یاد نموده و در جلسات مختلف به جلوگیری از آن در رده‌های بلند اداری کشور سخن می‌گوید، اما در عمل در حکومت تحت قیادتش نه تنها فساد اداری ریشه‌کن نشده، بلکه زمینه‌های فساد بیشتر از پیش شده است.

بودجه‌ی ملی سال جدید مالی، پس از ماه‌ها بحث و چانه‌زنی، توسط نمایندگان پارلمان تصویب و همگانی شد، اما این بودجه نشان‌دهنده‌ی برخورد دوگانه‌ی حاکمیت با شهروندان در سطوح انکشافی و تولیدی بوده و نمی‌تواند، مطالبات مردم افغانستان را برآورده سازد. حکومت وحدت ملی و شخص رییس‌جمهور غنی اگر واقعاً به دنبال اصلاحات است، باید سند بودجه‌ی ملی را اصلاح کند، اصل انکشاف متوازن را در نظر بگیرد و برای بازسازی ولایات به صورت عادلانه اقدام کند. در بودجه‌ی ملی کنونی تنها ولایت غور با تبعیض روبه‌رو نیست، بسیاری از ولایات با همین معضل روبه‌رو است و باید عدالت در بودجه‌ی ملی تطبیق شود.

قمار شوم؛ باخت افغانستان، بُرد پاکستان

اسحق علی احساس



محمد داوود از این داعیه باعث شد، پاکستان به همکاری سازمان‌های استخباراتی منطقه، سیاست وارد کردن فشار بر افغانستان را دنبال کند. این فشارها باعث می‌شود، محمد داوود از عشق‌اش که همان داعیه‌ی پشتونستان بود، دست بردارد و سیاست دوستی با پاکستان را پیشه کند. در پایان کار اما سیاست حسن نیت داوود خان با پاکستان، در ایجاد روابط حسنه میان دو کشور کمک چندانی نمی‌کند و پاکستان با پناه‌دادن به چهره‌های بنیادگرایی افغانستانی، سیاست مداخله‌ی نظامی در امور افغانستان را هسته‌گذاری می‌کند. پس از سقوط داوود خان و به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق دخالت نظامی آغاز می‌شود و در پایان کار، تنظیم‌های جهادی با حمایت پاکستان حکومت دموکراتیک افغانستان را سقوط می‌دهند.

آنچه به دنبال دستگیر شدن رهبر جنبش تحفظ پشتون‌های پاکستان از سوی پولیس این کشور، در میان کابل و اسلام‌آباد رخ داده از چند جهت با رخداد‌های گذشته قابل مقایسه است. زمانی که محمد اشرف غنی قدرت را در کابل به دست گرفت، صلح با طالبان را اجندای سیاسی حکومت‌اش اعلام نمود و با جانب پاکستان سیاست دوستانه طرح کرد. پس از مرگ ملا محمد عمر، رهبر پیشین طالبان تلاش‌های آشتی‌جویانه‌ی کابل در شرایطی که نتیجه‌ی مشخصی نداشت، متوقف شد. پس از آن که ملا اختر منصور به عنوان رهبر گروه طالبان انتخاب شد، روابط کابل و اسلام‌آباد سرد شد و آقای غنی با چرخش صدوهشتاد درجه‌ای، حرف از انزوای پاکستان زد و این گونه رابطه‌ی دو کشور خصمانه شد. جنبش تحفظ پشتون‌های پاکستان در روزگاری شکل گرفت، که محمد اشرف غنی اداره‌ی حکومت کابل را در دست داشت. بنابراین هر باری که دولت پاکستان در برابر خواست‌های این جنبش ایستادگی کرد، آقای غنی به حمایت از آن پرداخت؛ حمایت‌هایی که از سوی پاکستان مداخله‌جویانه تعبیر شده و روی هم رفته بر روابط دو کشور تأثیرات منفی گذاشته است.

این در حالی است، که پروسه‌ی صلح افغانستان در جریان است. حکومت کابل برای رسیدن به یک توافق صلح جامع و قابل قبول برای مردم این سرزمین، به حمایت پاکستان ضرورت دارد. تجربه ثابت کرده است، که پاکستان نفوذ قابل ملاحظه بر گروه طالبان دارد و اگر از پروسه‌ی صلح افغانستان حمایت صادقانه نکند، صلح سراسری و دایمی در این سرزمین استقرار نمی‌یابد. از سویی هم تجربه نشان می‌دهد، که رفتارهای حساسیت‌برانگیز کابل در برابر اسلام‌آباد، نتیجه‌ی جز بدبختی و بحران برای افغانستان نداشته است. با این اوصاف، رفتار و رویکرد منطقی این است، که حکومت کابل با توجه به تجربه‌های گذشته، نه تنها به رفتارهای حساسیت‌برانگیز با جانب پاکستان خاتمه دهد، بلکه جلو هر رفتاری که به سوتفاهم بیشتر منجر می‌شود را بگیرد و بهانه‌ای برای مداخله‌ی پاکستان در امور افغانستان به دست دولت‌های مستقر در اسلام‌آباد ندهد. در غیر این صورت، کابل هم چنان در آتش خواهد سوخت و افغانستان به چیزی دیگری جز بدبختی و جنگ دست نخواهد یافت. به قول معروف قمار شوم، باخت‌اش هم باخت است و بُردش نیز.

تحفظ پشتون‌های پاکستان از سوی پولیس این کشور و موضع‌گیری‌های کابل و اسلام‌آباد در این رابطه از همین رهگذر قابل فهم می‌شود. از زمان شکل‌گیری این جنبش تا هنوز، این چندمین بار است، که مقام‌های حکومت کابل، تعدادی از سیاسیون و بخش‌های از مردم افغانستان به حمایت از این جنبش پرداخته و برای آن دادخواهی کرده‌اند. در آخرین بار، هفته‌ی گذشته، پس از آن که آقای پشتین از سوی نیروهای نظامی پاکستان دستگیر شد، محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور با نشر پیامی در صفحه‌ی توئیترش، از این اقدام پولیس پاکستان ابراز نگرانی کرد و خواستار رهایی او شد. آقای غنی بدون نام بردن از پاکستان، تأکید کرد، که استفاده از خشونت دولتی علیه جنبش‌های نظیر «تحفظ پشتون‌های پاکستان» سبب بی‌ثباتی منطقه می‌شود و او این نوع حرکت‌ها را محکوم می‌کند. در کنار محمد اشرف غنی، تعدادی از سیاسیون دیگر نیز اقدام پولیس پاکستان را محکوم کردند. شماری از مردم در برابر سفارت پاکستان در کابل، تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواستار رهایی رهبر تحریک تحفظ پشتون‌های پاکستان شدند. این در حالی بود، که پاکستان سخنان آقای غنی را مداخله‌ی واضح در امور داخلی این کشور تلقی کرد. وزارت خارجه‌ی پاکستان با نشر اعلامیه‌ای، توییت آقای غنی را مداخله‌جویانه خواند و اعلام کرد، که چنین اظهاراتی، در بهبود روابط دو کشور کمک نمی‌کند.

روی هم رفته، موضع‌گیری محمد اشرف غنی، رییس‌جمهور کشور در پیوند به رخداد‌های آن سوی دیورند (دستگیر شدن رهبر جنبش تحفظ پشتون) از سوی پاکستان مداخله‌جویانه توصیف شد. قرار معلوم، برداشت جانب پاکستان این است، که کابل چون گذشته، با حمایت از جنبش‌های فعال در مناطق قبایلی و پشتون‌نشین پاکستان، داعیه‌ی پشتونستان و ادعای ارضی به مناطق قبایل آزاد را به پیش می‌برد؛ مسئله‌ای که از زمان شکل‌گیری پاکستان در همسایگی افغانستان تا کنون، عامل اصلی و اساسی تنش میان دو کشور بوده است. هرچند خواست‌های جنبش تحفظ پشتون مشخص است و ربطی به مسئله‌ی افغانستان و خط دیورند ندارد، اما اظهارات اعتراض‌کنندگان افغانستان در حمایت از این جنبش، رنگ دیگری به این موضوع می‌دهد. به عنوان نمونه، هفته‌ی گذشته در جریان اعتراض تعدادی از مردم در برابر سفارت پاکستان، شگوفه نوری، عضو مجلس نمایندگان افغانستان به صورت صریح گفت، که ما می‌خواهیم پشتون‌ها در تمام جهان در برابر اقدام پاکستان صدای‌شان را بلند کرده و همبستگی‌شان را حفظ کنند. در کنار این عضو مجلس نمایندگان، تعدادی از اعتراض‌کنندگان دیگر نیز بر خواست پشتون‌ها تأکید کردند و گفتند، که پشتون‌ها همه یکی اند. به نظر می‌رسد، پاکستان از چنین موضع‌گیری‌های نتیجه‌گرفته است، که جنبش تحفظ پشتون‌های پاکستان از سوی یک کشور بیرونی حمایت می‌شود و هر موضع‌گیری به حمایت از این جنبش، معنی مداخله در امور پاکستان را دارد.

در گذشته نیز چنین بوده است. در کتاب «افغانستان در قرن بیستم» اثری از ظاهر طنین می‌خوانیم: زمانی که محمد داوود خان به قدرت رسید، داعیه‌ی پشتونستان به شکل علنی از سوی حکومت کابل حمایت می‌شد. در این کتاب از داوود خان به عنوان قهرمان داعیه‌ی پشتونستان یاد شده و روایت شده است، که حمایت رییس‌جمهور

تاریخ به ما می‌گوید که هر گفتار و عملکرد حاکمان کابل در پیوند به سرزمین‌های آن سوی دیورند، پیامی جز مداخله‌ی «صریح و آشکار» در امور پاکستان برای دولت‌های مستقر در اسلام‌آباد نداشته است. پس از شکل‌گیری پاکستان، دولت‌های مستقر در اسلام‌آباد، هر سخن حاکمان کابل در رابطه به مناطق آزاد قبایلی را مداخله در امور پاکستان خوانده و به عمل بالمثل در برابر افغانستان دست زده‌اند. به همین دلیل، در این مدت سیاست مداخله در امور افغانستان، یکی از گرایش‌های جدی و نیرومند در درون دولت پاکستان بوده است. رخداد‌های تاریخی نشان می‌دهد، که به تناسب تندی و کندی ادعای ارضی به مناطق آن سوی خط دیورند از سوی حاکمان کابل، پاکستانی‌ها گاه در خفا و گاه به صورت علنی سیاست مداخله در امور افغانستان را به پیش برده‌اند.

در چهار دهه‌ی اخیر، همواره ردپای پاکستان در جنگ افغانستان دیده می‌شود. در زمان حاکمیت حزب دموکراتیک خلق، مداخله‌ی پاکستان در امور افغانستان، به شکل آشکار جریان داشت. اکثریت مطلق تنظیم‌های جهادی که در برابر حکومت دموکراتیک افغانستان می‌جنگیدند، از جانب پاکستان و متحدان جهانی‌اش حمایت می‌شدند. هرچند قبل از به قدرت رسیدن حزب دموکراتیک خلق، در دوره‌ی جمهوری محمد داوود خان نیز رابطه‌ی کابل و اسلام‌آباد خصمانه بود، اما در آن زمان مداخلات دو جانب در امور یک‌دیگر به شیوه‌ی سیاسی دنبال می‌شد، نه نظامی و استخباراتی. با سقوط جمهوری، شیوه‌ی دخالت پاکستان در امور افغانستان نظامی و استخباراتی شد و این کشور به شکل مسلحانه در تداوم بحران و جنگ در افغانستان نقش بازی کرد. در جریان مذاکرات صلح ژنو میان حکومت دموکراتیک افغانستان و تنظیم‌های جهادی، پاکستان به شکل غیررسمی طرف اصلی مذاکرات بود. پس از امضای توافق‌نامه و خروج قوای شوروی از افغانستان، پاکستان هم چنان طرف اصلی جنگ در این کشور باقی ماند و روی هم رفته تا سقوط دولت دموکراتیک، دست از مداخله‌ی نظامی در امور افغانستان بر نداشت.

با به قدرت رسیدن مجاهدین در کابل، سیاست «کشتن با هزار زخم» و «کابل باید در آتش بسوزد» از سوی پاکستان در رابطه به افغانستان ادامه پیدا کرد. جنگ داخلی به دلیل عدم توافق گروه‌های جهادی بر سر تقسیم قدرت سیاسی آغاز شد، کابل و دیگر شهرهای کشور در کشمکش گیر افتاد، که در نتیجه‌ی آن تمامی تأسیسات عام‌المنفعه نابود شد. عصیت قومی، سمتی، زبانی و مذهبی، حس ملی‌گرایی مردم را نابود کرد. زمینه‌ی شکل‌گیری یک دولت مشروع و مقتدر از میان رفت و افغانستان به مرکز بنیادگرایی دینی و جهادیسیم اسلامی مبدل شد. گروه‌های تندرو در مناطق جنوبی و شرقی کشور نفوذ کردند و به سربازگیری مشغول شدند. امارت اسلامی طالبان از درون چنین فضا سر برون آورد و با قرائت تندروانه از اسلام وارد منازعه‌ی افغانستان شد. براساس شواهد و اطلاعات منابع تاریخی و استخباراتی، پاکستان طراح و حامی گروه طالبان است و از زمان امارت اسلامی تا کنون امکانات اقتصادی و تسلیحاتی در اختیار این گروه قرار داده است.

اکنون مسئله‌ی دستگیری منظور پشتین، رهبر جنبش

«قهرمان داعیه‌ی پشتونستان»

«استراتژی واردآوردن فشار بر محمد داوود موثر واقع شد. او که زمانی قهرمان داعیه‌ی پشتونستان به‌شمار می‌آمد، آماده شد تا با پاکستان راه مذاکره و سازش را در پیش گیرد.

دکتر رحیم شیرزوی که در سال ۱۹۷۵ سفیر دولت افغانستان در پاکستان بود، اولین پیام حسن نیت داوود را به ذوالفقار علی بوتو، نخست‌وزیر پاکستان رسانید:

«داوود خان گفت، که باید به بوتو گفته شود، که ما یک پاکستان و افغانستان قوی می‌خواهیم. برای این‌که احساس ما در این است، که اصل سرحد هندوستان از پاکستان عبور کرده تا هندوکش است. وقتی که من این پیام را به بوتو بردم، بوتو باورش نمی‌آمد، که داوود خان چطور یک پاکستان و افغانستان متحد و قوی می‌خواهد.»

مناسبات افغانستان و پاکستان در مسیر نوی قرار می‌گرفت. پایان تنش آغاز شده بود. در اواسط سال ۱۹۷۶ رهبران پاکستان و افغانستان به کشورهای یک‌دیگر مسافرت کرده و سعی کردند تا اختلافات‌شان را از جمله در رابطه به مسئله‌ی پشتونستان کنار بگذارند.

دکتر رحیم شیرزوی می‌گوید:

«بوتو روز پنجم جون (ژوئن) ۱۹۷۶ برای مذاکرات به کابل مسافرت کرد و در این مذاکرات از سر تا آخر در موضوع پشتونستان گپ می‌زدند، لکن یک کلمه هم نمی‌گفتند، که طرف مقابل را تحریک نکنند. به‌تعمیق آن بوتو داوود خان را دعوت می‌کند و داوود خان دو ماه بعد از آن به پاکستان می‌رود. یک دعوت فوق‌العاده‌ای بود، که هیچ زعیم دولت را تا این حد پذیرایی نکرده بود. در مذاکراتی که طی پانزده ساعت در چهار روز صورت گرفت. بوتو به داوود خان گفت، که من تو را پدر می‌خوانم و قضیه‌ی پشتونستان را به هر ترتیبی که تو بخواهی من می‌خواهم که همان طور باشد. لکن فکر باید بکنید شما که یک پسر را پیش ملت‌اش خجالت ندهید.»

سیاست تفاهم با پاکستان و حل اختلافات با آن کشور به‌ویژه در مسئله‌ی پشتونستان از طریق گفت‌وگو، مورد حمایت رهبران پشتون در پاکستان نیز قرار گرفته بود. عبدالولی خان یکی از رهبران برجسته‌ی پشتون ملاقات‌اش را با ژنرال ضیاءالحق، رهبر نظامی پاکستان در سال ۱۹۷۷ به یاد می‌آورد:

«من در زندان بودم و آقای ضیاءالحق مرا از زندان خواست و به بیمارستان راولپندی انتقال داد. در آن‌جا او با من در مورد مسئله‌ی افغانستان مفصل صحبت کرد. من برای وی گفتم، که حل مسئله‌ی افغانستان بسیار آسان است. هر فیصله‌ای که در مورد افغانستان می‌کنید، همین وقت آن است، زیرا سردار محمد داوود خان شخصی است، که در نبود او فردا افغانستان با خانه‌جنگی (جنگ داخلی) و تباهی بزرگی روبه‌رو خواهد شد. من به ضیاءالحق گفتم که بروید و مستقیم با وی حرف بزنید؛ او گفت من می‌ترسم که اگر بروم، سردار داوود درباره‌ی سرزمین پاکستان ادعایی را مطرح کند. من گفتم که سردار داوود هیچ نوع ادعایی بر خاک پاکستان ندارد. بعدن ژنرال ضیاءالحق به کابل رفت و من دوباره به زندان رتم. و وقتی که ضیاءالحق از کابل برگشت، برایم گفت که سردار داوود در ضیافت رسمی اعلان کرد، که بر خاک پاکستان هیچ‌گونه ادعایی ندارد. این فیصله‌ای بود، که میان دو کشور صورت گرفت. ولی بعدن نیروهایی که طرفدار بهبود روابط افغانستان و پاکستان نبودند و تنها به این دلیل با افغانستان روابطی دوستانه ایجاد کرده بودند، که فردا آن‌را بر ضد روسیه به سنگری مبدل کنند، در این تصمیم خراب‌کاری کردند.»

نزدیکی با پاکستان و به‌ویژه تحکیم روابط با ایران، شوروی را نگران ساخت. به‌گفته‌ی ولادیمیر باسوف، کارشناس مسایل افغانستان در کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سابق، مقامات شوروی با این سوال روبه‌رو شدند، که داوود به کدام سمت می‌رود:

«زمانی که داوود در صدد جست‌وجوی راه دیگری برآمد و خواست از اتحاد شوروی فاصله بگیرد، در آن زمان این حرکت او ما را نگران ساخت. به‌خاطر دارم که الکساندر پوزانوف، سفیر شوروی در افغانستان با عده‌ای از دیپلمات‌ها ناراحت بودند. مخصوصن زمانی که داوود به کشورهای عربی سفر کرد و قراردادهایی را با ایران در سال ۱۹۷۵ عقد نمود، این نگرانی را بیشتر ساخت. باید گفت که بعضی از دیپلمات‌های ما به این اقدامات دیپلماتیک و درست داوود توجه زیادی نشان ندادند. آن‌ها نخواستند تا فورن داوود را متهم به نزدیکی با غرب و ایران و دوری از اتحاد شوروی بکنند. اما تا جایی که من می‌دانم، عده‌ای دیگر از دیپلمات‌ها تشویق داشتند، که داوود به کدام سمت می‌رود، ولی من می‌دانم، که او به راهی رفت که نه ما می‌خواستیم و نه امریکا. البته شواهد زیادی موجود است، که سازمان‌های امنیتی شوروی مخصوصن کی.جی.بی درباره‌ی اقدامات بعدی داوود نگران بودند.»

منبع: افغانستان در قرن بیستم (۱۹۰۰-۱۹۹۶)، ظاهر طین، انتشارات عرفان، صص ۱۸۷-۱۸۹

پایان اعتراض مردمی غور با ضمانت وکلای مجلس؛ ساخت ۴۰ کیلومتر سرک و ۳ پروژه‌ی برق پذیرفته شد

احمدظاهر قادری



پس از گذشت چندین روز از تجمع اعتراضی، ریاست‌جمهوری با نشر یک اعلامیه و فرستادن هیأت به‌مرکز ولایت غور به تظاهرات مردمی واکنش نشان داد. در ترکیب این هیأت اسدالله فنا و احمدخان، مشاوران ریاست‌جمهوری، نمایندگان وزارت مالیه، ترانسپورت و ریاست برق برشنا و ۴ وکیل مردم غور در مجلس نمایندگان شامل بودند.

اعتراض‌شان پایان دادند. آقای دهقان‌پور گفت: «معترضان در نخست گفتند، که به هیأت اطمینان ندارند، زیرا دو سال قبل نیز هیأتی که از کابل به این ولایت رفته بود، در برابر خواست مردم تعهد کتبی سپرده بودند، که ولایت غور در لیست پروژه‌های انکشافی قرار بگیرد، اما پس از گذشت دو سال این اتفاق رخ نداد.»

به گفته‌ی دهقان‌پور، به‌روز جمعه هیأت حکومت با ضمانت وکلای غور در مجلس نمایندگان تعهد سپردند، که خواست معترضان شامل اسفالت ۴۰ کیلومتر سرک و ساخت یک نیروگاه برق خورشیدی را در سال جاری مالی اجرایی می‌کند.

هفته‌ی گذشته، صدها تن از اهالی غور در شهر فیروزکوه، مرکز این ولایت تجمع اعتراضی برگزار کردند و تمامی ادارات دولتی، به‌شمول دفتر والی را بستند. معترضان خواستار ساخت سرک و تأمین برق در ولایت غور بودند، که به گفته‌ی آنان در بودجه‌ی سال ۱۳۹۹

هفته‌ی گذشته، صدها تن از اهالی غور در شهر فیروزکوه، مرکز این ولایت تجمع اعتراضی برگزار کردند و تمامی ادارات دولتی، به‌شمول دفتر والی را بستند. معترضان خواستار ساخت سرک و تأمین برق در ولایت غور بودند، که به گفته‌ی آنان در بودجه‌ی سال ۱۳۹۹ افغانستان در نظر گرفته نشده بود.

افغانستان در نظر گرفته نشده بود. پس از گذشت چندین روز از تجمع اعتراضی، ریاست‌جمهوری با نشر یک اعلامیه و فرستادن هیأت به‌مرکز ولایت غور به تظاهرات مردمی واکنش نشان داد. در ترکیب این هیأت اسدالله فنا و احمدخان، مشاوران ریاست‌جمهوری، نمایندگان وزارت مالیه، ترانسپورت و ریاست برق برشنا و ۴ وکیل مردم غور در مجلس نمایندگان شامل بودند.

در همین حال فاطمه کوهستانی، نماینده‌ی مردم غور در مجلس و عضو هیأت اعزامی حکومت نیز گفت، که اسفالت سرک و تأمین برق از خواست‌های اساسی معترضان بود، که از سوی هیأت اعزامی پذیرفته شد و دیروز شنبه دروازه‌ی ادارات دولتی به‌روی مسوولان محلی باز شد.

به گفته‌ی او، ۴۰ کیلومتر سرک قبلن کارش آغاز شده بود و ۴۰ کیلومتر دیگر در امتداد آن از چغچران تا دولت‌یار نیز از سوی وزارت مالیه پذیرفته شد، که در مجموع ولایت غور صاحب ۸۰ کیلومتر سرک اسفالت خواهد شد.

به گفته‌ی بانو کوهستانی، نماینده‌ی ریاست برشنا نیز تعهد سپرد، که در کنار ساخت نیروگاه برق خورشیدی، یک لین برق از بند سلما به این ولایت وصل خواهد کرد و یک پروژه‌ی کوچک برق دیگر نیز قرار شد در سال جاری مالی برای مردم غور تکمیل شود. از سویی هم بانو کوهستانی در مورد نگرانی از عدم اجراء این تعهد هیأت حکومت می‌گوید، که فردا وکلای غور در مجلس و دیگر اعضای هیأت جلسه‌ای را برگزار می‌کنند و خواست مردم غور را به ریاست‌جمهوری می‌فرستند تا پس از امضای رییس‌جمهور مورد اجرا قرار گیرد.

بد قولی همایون قیومی به نمایندگان مردم غور

عطاالله دهقان‌پور می‌گوید، قبل از این‌که طرح بودجه‌ی مالی ۱۳۹۹ به مجلس نمایندگان فرستاده شود، وکلای غور در تالار عمومی و نیز در کمیسیون مالی و بودجه این خواست مردم غور را مطرح کرده بودند، اما به آن توجه نشده است.

به گفته‌ی دهقان‌پور، هم‌چنان در جریان نیمه‌ی سال، وکلای غور در دیدار با همایون قیومی، سرپرست وزارت مالیه این خواست مردم را مطرح کردند و گفتند که غور یگانه ولایتی است، که حتا یک متر سرک اسفالت ندارد.

او گفت: «اما آقای قیومی وعده سپرد، که این خواست مردم غور در بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۹ گنجانیده می‌شود، اما زمانی که طرح بودجه به مجلس فرستاده شد، دیدیم که هیچ پروژه‌ی انکشافی در ولایت غور در نظر گرفته نشده است.»



بلوغ عقلانیت در فرایند ...

این‌ها دگرگونی‌های هست، که در تمدن کهن انسانی خویش داریم و حالت کنونی زندگی بشریت در واقع محصول دوره‌های دشوار است، که نیاکان ما با آن روبه‌رو بوده‌اند. اما جای خوشی این است، که در تمامی این مرحله‌های از تاریخ زندگی، انسان‌ها از معرفت مفهومی و اصطلاحی که تعریف‌کننده‌ی چوکات زندگی اجتماعی انسان‌ها است، برخوردار بوده‌اند. مفاهیمی چون عقلانیت، عدالت، خیر، نیکی، صداقت و... در طول دوران زندگی بشریت از جایگاه ویژه‌ی بر خوردار بوده‌اند. هر دوره‌ی از تاریخ اجتماعی و سیاسی را وقتی بررسی کنیم، به‌صورت واضح مشاهده می‌شود، که مدیران و گردانندگان اصلی آن جامعه در تلاش بوده تا به زعم خودشان به‌نحوی به‌عدالت در میان مردم عملکرد داشته باشند؛ اما تفسیر چنین مفاهیم لابد به نوع جهان‌بینی‌شان وابسته بودند.

عقلانیت و عقل‌مداری در حیطه‌ی زندگی و هستی انسان‌ها با توجه به نقش فلسفی که این نیرو دارد، چنان‌چه مشخص شد از پیشینه‌ی

طولانی برخوردار است. این در گذر زمان و سیر تاریخ مملو از حوادث انسانی است، که بلوغ عقلانیت را در پی داشته. نگاه واقع‌بینانه به طبیعت و نظام زندگی انسان‌ها و ایجاد جریان‌های علم پایه و تجربه‌محور در واپسین روزگار زندگی انسان‌ها این فرصت را فراهم نمود، که به ارزش نیروی عقل در

تمامی گوشه‌های زندگی، انسان باورمند شود. پس ارزش به‌عنصر خرد و خردورزی در سیر تاریخ بشر از ویژگی تکامل برخوردار بوده است. فرایند تکامل‌محور زیست انسانی و گذار از دوره‌های مختلف تاریخ بشر سبب بلوغ عقلانیت در دنیای معرفت انسانی شد.

بلوغ عقلانیت در فرایند تاریخ

مهدی شیرزاد

تاریخ تفکر و اندیشه در بستر اجتماع انسانی از گردونه‌های پست و رفیع گذر نموده است و این روند در سیر طبیعی‌اش از خصلت پویای بر خوردار می‌باشد. دوره‌های منظم تاریخی در انتروال زندگی بشریت گاه ویژگی‌های مشابه و بعضی اوقات خصوصیات متفاوت را از خود بروز می‌دهد. نوع نگاه ژرف‌اندیشان اجتماعی، سیاسی در خبلی از موارد طبعین تابع شرایط زمانی و مکانی‌اش بوده یا حداقل این فکتورها تأثیر خاص خودش را در طرز دید و نحوه‌ی موضع‌گیری اندیشمندان داشته و دارد. پربودهای تاریخی در قالب زمان خاص و داشته‌های فرهنگی-اجتماعی خاص سنت علمی و عملی را به‌دوش می‌کشد، که تعیین‌کننده‌ی شیوه‌ی زندگی انسان‌ها است. انسان‌ها معمولن با عقلانیت و گرایش‌های عقلانی، تمایل دارند به مولفه‌های زندگی نگاه داشته باشند، اما در خبلی از مواقع به دلایلی چنین چانس را نمی‌توانند داشته باشند. در دوران اسطوره یا همان ماقبل تاریخ، انسان‌ها نیز دغدغه‌ی شان نسبت به اندیشه بر پایه‌ی عقل بوده است؛ ولی سيطرة‌ی مستحکم محیطی بلوغ اندیشه را جواز نمی‌داد، تا دغدغه‌ها و پرسش‌های عقلانی وارد قلمرو افکار و اندیشه‌ی انسانی شود. یا قدرت درک خرد انسانی را در حیطه‌ی بسیار تنگ تعریف می‌کردند. با این نگاه عقل نمی‌تواند دخالت در تحلیل هستی و مفاهیم‌های رایج در حوزه‌ی معرفت داشته باشد. به مفاهیم و اصطلاحات کاربردی در حوزه‌ی زیست انسانی نگاه فرا طبیعی و به‌دور از دسترس انسان‌ها داشتند. بیشتر پدیده‌ها به‌صورت موهومی تعریف می‌شدند و این فرایند طبعین محکوم به‌رسیدن به‌سکوی جدیدتر در قلمرو زندگی است و آن تاریخی‌شدن زندگی اجتماعی و فردی انسان‌ها بود، که از راه رسید.

به باور «اگست کنت» سیر زندگی بشر از سه مرحله گذر نموده است. نخستین مرحله‌ی زندگی بشر دوران الهیاتی است. در این مرحله، هستی براساس باورها و اعتقادات تحلیل می‌گردد. در این دیدگاه بنیاد پدیده‌های هستی را در آسمان‌ها جست‌وجو می‌کند و بر مبنی آن تفکر خلق می‌شود، که جامعه و هستی مشیت الهی است. اسطوره‌ها محور اندیشه را می‌سازند و روحیه‌ی جمعی مسلط بر جامعه‌ی انسانی تفکر الهی و آسمانی است. مرحله‌ی دوم: متافیزیکی یا فلسفی‌شدن اندیشه‌ی جامعه است. این مرحله‌ی گذر است از چشم‌انداز الهیاتی به پارادایم جدید اثباتی. نگاه فلسفی به هستی و متافیزیک ایمان‌محور نیست، بلکه جهان‌بینی فلسفی بر بنیاد استدلال‌های عقلی و منطقی استوار است. مرحله‌ی سوم: مرحله‌ی اثباتی سیر زندگی بشر است. این بخش از زندگی انسان‌ها بر بنیاد عقل‌گرایی، تجربه‌باوری و پوزیتیویسم است. تفکر و روحیه‌ی موجود فضای ذهنی جامعه را به‌صورت اثباتی کنترل می‌کند و تمامی پدیده‌ها با منطق عقلانیت و اثبات در حوزه‌ی معرفتی قابل تحلیل است. این مرحله در فرایند تاریخی توانست دیدگاه قابل تعمیم را باز کند و شعاع معرفتی بشر را توسعه دهد.

در مرحله‌ی نوین برداشت از مفاهیم و پدیده‌های تأثیرگذار بر زندگی دچار تغییر می‌شود. افکار از اوج آسمان‌ها پایین‌تر سیر می‌کند. سیستماتیک‌شدن عرصه‌ی زندگی رُخس را در بستر زیست انسانی باز می‌کند، ریشه‌ی پدیده‌ها را کم‌کم در محیط محسوس جست‌وجوگر می‌شود. نیروی بزرگ عقل جایش را در برخورد با مسایل و موضوعات به‌صورت ابتدایی درک می‌کند. جهان‌بینی‌های که مبتنی بر اصول واهی بود، آهسته آهسته به زوال محکوم می‌گردد و جایش را اصول انسانی که قابل درک اکثریت باشد پر می‌کند.

(ادامه در صفحه‌ی ۳)

مدیر مسوول: عبدالخالق آزاد
سردبیر: اسحق علی احساس
زیر نظر شورای نویسندگان
ایمیل: sadaaym@gmail.com
شماره‌تلفن: ۰۷۴۷۵۳۸۸۵۸

تنها «گپ مردم» بازتاب دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسوولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
«صدای مردم افغانستان» از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند.
اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیسبوک: هفتنامه صدای مردم افغانستان
آدرس: کابل، کارته ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

موانع فراروی صلح افغانستان چیست؟

محمد نسیم نظری

کاهش خشونت را به‌منظور رسیدن به توافق سیاسی با گروه طالبان عنوان نمود. آقای خلیل‌زاد تأکید کرده بود، که اگر گروه طالبان به کاهش خشونت تن دهند، مسیر مذاکرات بین‌افغانی و رسیدن به توافق سیاسی هموار خواهد شد؛ چیزی که همیشه از سوی ارگ ریاست‌جمهوری و برخی از سیاست‌مداران برجسته‌ی افغانستان رد گردیده است. زلمی خلیل‌زاد، حدود یک‌ماه پیش، گفت‌وگوهای صلح را به شکل غیررسمی با گروه طالبان در دوحه‌ی قطر آغاز نمود. پس از این نشست‌ها که در آن جنرال اسکات میلر، فرمانده‌ی عمومی نیروهای حمایت‌قاعده در افغانستان نیز حضور داشت، طالبان ادعا نمودند، که مذاکرات صلح به قدم فرجامین خویش نزدیک شده و به‌زودی روی امضای توافق‌نامه، تصمیم نهایی اتخاذ خواهد شد.

هم‌چنین ینس ستبرک، منشی عمومی ناتو در دیدار با زلمی خلیل‌زاد تأکید کرده است، که ناتو طرفدار آغاز مذاکرات بین‌افغانی و حفظ ارزش‌های مدرن در افغانستان می‌باشد. هم‌چنین او تصریح نموده است، که این سازمان به حمایت‌هایش از نیروهای امنیتی افغانستان ادامه خواهد داد. این در حالی است، که در افغانستان تا هنوز نسبت به روند صلح دیدگاه واحد ایجاد نگردیده است. شریکان قدرت (ارگ و سپیدار) با دو نگاه متفاوت به دنبال صلح اند. ارگ ریاست‌جمهوری طرح هفت‌ماده‌ای صلح را در اواسط سال جاری همگانی ساخت، که در آن پنج‌سال آینده برای رسیدن به توافق صلح با گروه طالبان، زمان تعیین گردیده بود. طرح صلح ارگ، بیشتر جنبه‌ی تشریفاتی داشت، تا یک طرح عملی و قابل قبول همه‌ی طرف‌ها.

اما قصر سپیدار همیشه از موضع نرم‌تر نسبت به قضایا و پیچیدگی‌های صلح برخوردار نموده و تأکید نموده است، که در صورت امکان رسیدن به توافق صلح با گروه طالبان، آنان حاضر اند، از انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته و با رهبری گروه طالبان وارد مذاکره شوند. با این وجود به‌نظر می‌رسد، که گفت‌وگوهای صلح هنوز راه درازی برای رسیدن به اهداف‌اش را در پیش دارد. به‌نظر می‌رسد، که دلایل زیر باعث گردیده تا اجماع همگانی پیرامون این پروسه شکل نگرفته و بر طولانی‌تر شدن آن افزوده است.

۱- عدم اجماع ملی: نیروهای سیاسی و رهبران داخل و خارج از حکومت در افغانستان اکنون پیرامون پروسه صلح و مذاکره با گروه طالبان به اجماع واقعی دست نیافته‌اند. هرچند نشست‌های پیرامون چگونگی پیشبرد مذاکرات با طالبان توسط شماری از سیاست‌مداران برجسته‌ی کشور ترتیب یافته، اما به‌صورت اساسی نتوانسته است، مسیر مشخصی برای رهبری و مدیریت این پروسه ایجاد نماید. شاید عمده‌ترین دلیل عدم اجماع ملی، نبود تعریف واضح از این پروسه توسط حکومت و رهبران

سیاسی است. حکومت وحدت ملی که اکنون تنها در ارگ ریاست‌جمهوری خلاصه می‌شود، طرفدار دراز مدت‌بودن این پروسه و عدم داخل‌شدن سیاست‌مداران خارج از حلقه‌ی حکومتی می‌باشد. اما شماری دیگر از سیاست‌مداران، به دنبال ایجاد مسیر جداگانه و تعامل تیمی با گروه طالبان بوده و حکومت را در هیچ سطحی از مذاکره نمی‌پذیرند. عدم اجماع ملی پیرامون پروسه صلح، زمینه را برای به‌چالش کشاندن این پروسه در سطح مناسبات داخلی فراهم می‌سازد.

۲- عدم اجماع بین‌المللی: کشورهای منطقه و برخی از کشورهای کمک‌کننده به افغانستان تا کنون پیرامون تعریف واضح از پروسه صلح و چگونگی توافق با گروه طالبان در کشور به نتیجه‌ی نهایی نرسیده‌اند. برخی کشورهای منطقه مثل پاکستان که به دنبال اهداف استراتژیک‌شان هستند، با استفاده از نفوذشان در سطح رهبری گروه طالبان در تلاش است، تا به اهداف‌شان در افغانستان دست یابد، برخی هم مثل کشورهای ایران و روسیه در تلاش فراهم‌سازی زمینه‌های خروج نیروهای امریکایی از خاک افغانستان توسط گفت‌وگوهای صلح با گروه طالبان هستند. شماری دیگر هم بدون هیچ واکنش جدی منتظر اوضاع و تحولاتی که قرار است پس از توافق با گروه طالبان اتفاق

افتد، بوده و هیچ اقدام عملی انجام نمی‌دهند. ۳- گروه طالبان هر چند در سطح مذاکرات با ایالات متحده‌ی امریکا در تلاش دست‌یابی به توافق صلح اند، در عمل تا کنون هیچ اقدام چشم‌گیری که بتواند میزان تمایل آنان را به این پروسه نشان دهد، انجام نداده‌اند. سطح خشونت‌ها نه تنها در افغانستان کاهش نیافته، بلکه با شدت تمام در حال انجام است. تلفات غیرنظامیان بنا بر گزارش سالانه‌ی سازمان ملل متحد در بخش حقوق بشر، نشان می‌دهد، که در جنگ افغانستان نسبت به سال‌های قبل افزایش یافته است.

۴- ایالات متحده‌ی امریکا با فرستادن سفیر خلیل‌زاد به پاکستان و دوحه، در تلاش دست‌یابی به صلحی است، که در آن هیچ جناحی سیاسی دخیل نبوده و ارزش‌های مهم سیاسی و حقوقی در افغانستان پای مال می‌گردد. شاید دلیل شتاب‌زدگی ایالات متحده‌ی امریکا، انتخابات ریاست‌جمهوری امسال این کشور است، که دستگاه دیپلماسی رییس‌جمهور ترمپ را وادار ساخته تا با چشم‌پوشی از قضایای افغانستان به ادامه‌ی حضور نظامی در این کشور پایان دهد. در حالی که چنین تلاش‌های شتاب‌زده و خارج از چارچوب دیپلماتیک نه تنها سطح و حجم فشار دیپلماتیک بر دستگاه وزارت خارجه‌ی ترمپ را کاهش نمی‌دهد، بلکه لایه‌ها و بسترهای جدید خشونت و افراطیت را در سطح خاورمیانه و افغانستان افزایش خواهد داد.

